

● ماجرای دستمال سرهای منقش به مکان های دیدنی ایران عشق سفرند؛ از همان هایی که خیلی راحت به قواعد جاری یک زندگی معمول و مرسوم پشت پا می زنند، زندگی شان را می گذارند داخل کوله هایشان یا بار دوچرخه هایشان می کنند و بعد، می زند به دل کوه و طبیعت و جاده. لایه لای همین سیر و سیاحت عکاسی هم می کنند. عکس هایی که حالا روی دستمال های ورزشی سر و گردن نقش بسته است و یادگاری شده از سفر آن ها بر روی سر و گردن دیگران. همه جور عکسی دارند، از نمای کلی تخت جمشید و غروب زیبای آن گرفته تا نقش های خاص تری که از بافت تاریخ زیر لنز دوربینشان ثبت شده است. از آسبادهای نشتیفان گرفته تا مزار مولانا زین الدین تاببادی و نقشش کاشی کاری های مقبره بایزید بسطامی و هزار و یک عکس دیگر. یکی از یکی زیباتر و باشکوه تر که شاید اگر خودمان به این مکان ها سفر می کردیم کمتر پیش می آمد روی نقش های یک کاشی دقیق شویم. آن ها درباره اینکه چنین فکری چگونه به ذهنشان رسید می گویند: «ایده کار زمانی به ذهنمان رسید که در فکر سازماندهی یک پروژه کار در سفر بودیم و فکرمان دائم درگیر کارهایی بود که بتوانیم در سفر انجام دهیم. بالأخره به تولید محصولات ورزشی مربوط به طبیعت و کوه و دوچرخه رسیدیم. سپس ایده تولید دستمال سر را شروع کردیم.»



● محرک پر قدرتی به نام فرهنگ

البته این تمام فلسفه ای نیست که پشت ماجرا بوده است. داستان آنجایی جدی تر و جذاب تر می شود که آدم می فهمد پشت تمام فعالیت ها و کارهایی که با علاقه و حس خوب دنبال می کنند، دغدغه های بزرگ تری وجود دارد. دغدغه های تولید اجناسی در خور فرهنگ خودمان. که این گونه از آن یاد می کنند: «پر قدرت ترین محرک ما مسئله طرح های بیگانه با فرهنگ ما بود. بیگانگی بعضی از طرح های دستمال سر در ایران و به خصوص در میان نسل نوجوان و جوان همواره در ذهن ما این سؤال را به وجود آورد که چرا چنین طرح های بیگانه ای و چر طرح های خودمان نه.» و ادامه می دهند: «به طرح دستمال گردن ها نگاه کنید. مثلا عکس یک اسکلت

است یا یک چهره خبیثانه و وحشتناک. خب چرا نباید از طرح ها و عکس های بی نظیر جاذبه های ایران استفاده کنیم؟»



● هرعکس یک قصه چند نمونه از دستمال سرها و زیرلیوانی هایی که با عکس های زیبایشان از جاذبه های تاریخی و طبیعی ایران تهیه شده، روی میز مقابلمان است. احسان دستمال سری که رویش قسمتی از دیوارنگاری های تخت جمشید است را برمی دارد و می گوید: «ما هر عکسی را برای چاپ انتخاب نمی کنیم. پشت تک تک



ایران به سبک عکاس گردشگران

گپ گفت با زوجی که روشی متفاوت برای معرفی جاذبه های گردشگری کشورشان برگزیده اند

عظیم زاده - چاپ تصاویر جاذبه های تاریخی و طبیعی روی کارت پستال، لیوان، قاب عکس و همچنین انتشار آن در فضای مجازی از جمله راه های مرسوم برای معرفی جاذبه های گردشگری ایران بوده که تا کنون به همت برخی از مسئولان، فعالان گردشگری و صنایع دستی رخ داده است اما آدم های خلاق و خوش ذوق همیشه به دنبال راه های جدید و نو هستند. خوریه اسکندری و احسان امارلو، زوج ایران گرد و از جمله همین انسان های خوش ذوق هستند که به ایده ای که در ذهنشان بوده پر و بال داده اند. آن را از گوشه ذهنشان بیرون کشیده اند و به آن عینیت بخشیده اند. این زوج مشهودی، جاذبه های تاریخی و طبیعی ایران را در بسته بندی های نو و خلاقانه به ایرانی ها و مردم جهان معرفی می کنند. با ما همراه شوید تا بیشتر از ایده های نو و عشق این زوج خلاق به ایران بشنوید

قاب ها داستان و روایتی است. نگاه کنید! این تصویر را می شناسید؟ این دست که دست دیگری را گرفته متعلق به آن قسمت تخت جمشید است که ملت ها و کشورهای مختلف پشت سر یکدیگر هدایا و اجناس و کالاهایی را به پیشگاه پادشاه ایران می برند. این دست در دست داشتن یعنی صلح یعنی دوستی. یعنی کنار هم قرار گرفتن آیین ها و فرهنگ های مختلف.»

● یک بسته بندی کاملا سازگار با محیط زیست

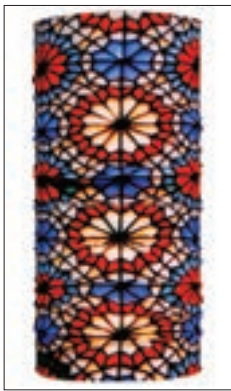
برای تک تک محصولاتشان یک معرفی نامه کوچک هم در نظر گرفته اند. روی دو تا برش کاغذ کوچک خیلی مفید و مختصر در مورد خودشان و محصولاتشان تصویر متعلق به کجاست. حتی کنار گوشه آن این نکته را نیز ذکر کرده اند که: «با توجه به اهمیت حفظ محیط زیست لطفا کوشش کنید تا کاغذهای این بسته بندی را در زباله های قابل بازیافت بیندازید.» همین قدر جزئی

سفر با دوچرخه می اندازد و می گوید: «مردم با دوچرخه سواران خیلی مهربان ترند. گویی دوچرخه چراغ سبزی برای گفت وگو و برقرار کردن ارتباط با مردم است و ما واقعا از این گفت وگوها لذت بردیم. به ویژه اینکه در این مدت بیشتر شب ها را مهمان مردم خونگرم شمال غرب شدیم.» او با تعریف از شگفت زدگی مردم

در مواجهه با زوج دوچرخه سوار ایرانی می گوید: «جالب است که وقتی مردم ما را می دیدند فکر می کردند خارجی هستیم، این طرز تفکر به واسطه کم بودن سبک سفر با دوچرخه در میان زوج های ایرانی است.»

کهندل در کنار بیان زیبایی های سفر با دوچرخه، گوشه چشمی هم به سختی ها دارد و می گوید:

ارباب حلقه ها را نوشته زمینی خجسته و عاری از پلیدی در سرزمین میانی بوده است. اما در نهایت حروف نام و نام خانوادگی احسان امارلو است.» در مورد قسمت دوم نیز چنین منطقی وجود دارد: «حوس در لغت نامه دهخدا به معنای دلاور و بی باک و در بعضی واژه باب های دیگر «به طلب چیزی بسیار جستن» معنی می دهد. در انگلیسی هم به معنای خانه است. اما در نهایت از نام و نام خانوادگی خوریه اسکندری گرفته شده است.» وقتی از مخاطبان کارهایشان می پرسیم می گویند: «بسیاری از افرادی که مثل خودمان اهل گشتن در طبیعت و مسافرت رفتن هستند از این کارها استقبال می کنند. علاوه بر این ورزشکاران نیز از مخاطبان کار های ما هستند. همچنین برخی از ورزشکاران حرفه ای که در رقابت های جهانی شرکت می کنند از این دستمال سرها به ما سفارش داده اند.»



● امان از کپی کاری ایسده منحصر به فرد آن ها از چشم افراد سودجویی که فقط منتظرند تا یک اتفاقی بیفتد و سریع از آن تقلید کنند، دور نمانده است. این را وقتی متوجه می شویم که احسان صفحه ای

را در اینستاگرام نشانمان می دهد که کارها و ایده های آن ها را کپی می کند. آن هم به قدری ضعیف که به گفته خودشان تنها واکنشی که به آن نشان می دهند خنده است و بس. دقیقا بر عکس کاری که خودشان انجام داده اند: «برای بومی سازی خواستیم که همه چیز به صورت اصل و بدون کپی برداری باشد. حتی طرح های روی محصول. به همین دلیل تنها از عکس های خودمان استفاده می کنیم.»



● قدم به قدم تا اتفاق های بهتر ایده های دیگری هم در ذهن این زوج جوان از هم اکنون شکل گرفته است که سودای عملی کردن آن ها را در سر دارند و به گفته خودشان در صد هستند که قدم به قدم آن ها را دنبال کنند. فعلا طرح و برنامه بعدی شان را می خواهند روی پارچه های «فرت» پیاده کنند که جزو صنایع دستی خراسان رضوی است. یعنی دوباره با تکیه بر عکس های خودشان و پیاده کردن آن روی فرت ها، بتوانند صنایع دستی معروفی کنند و یک کار جدیدتر و متنوع تر تحویل دهند. پیاده کردن چنین برنامه ای روی پتوهای مسافرتی نیز، فکر بعدی آن هاست.



خبر

جاده های شمال زیر چرخ زوج دوچرخه سوار مشهدی

در مواجهه با زوج دوچرخه سوار ایرانی می گوید: «جالب است که وقتی مردم ما را می دیدند فکر می کردند خارجی هستیم، این طرز تفکر به واسطه کم بودن سبک سفر با دوچرخه در میان زوج های ایرانی است.» کهندل در کنار بیان زیبایی های سفر با دوچرخه، گوشه چشمی هم به سختی ها دارد و می گوید:



رزان ازهره کهندل و آرمین صمیمی زوج خبرنگار و عکاس مشهدی هستند که این روزها در حال تجربه سفر با دوچرخه به سه استان شمال غرب کشورند. آن ها ۱۲مهر سفر با دوچرخه خود را از شهر تبریز آغاز کردند. استان های آذربایجان غربی و شرقی را رکاب زدند و امروز در شهر تالش گیلان به سر می برند. کهندل در گفت وگو با شهرازا نگاهی به لذت

روزنامه شهرازادگی SHAHARANEWS.IR ۲شنبه ۲۲ مهر ۱۳۹۸ ۱۵ مهر ۱۳۹۸ شماره ۲۳۲۷

روزنامه شهرازادگی SHAHARANEWS.IR ۲شنبه ۲۲ مهر ۱۳۹۸ ۱۵ مهر ۱۳۹۸ شماره ۲۳۲۷

فعالیت معادن در محوطه های تاریخی باید متوقف شود

گفت و گو با سخن گوی فراکسیون گردشگری مجلس



مجلس شورای اسلامی سپس با تسری بخشیدن این مشکل به کل کشور گفت: «این داستان میراث فرهنگی در کل کشور جریان دارد و مشکل فقط معدن دیزدر نیست، منتها گاه بر خوردهای سلیقه ای در استان و شهرستان ها رسیدگی به قوانین را تحت تأثیر قرار می دهد.» او سپس با قول بررسی ویژه پرونده معدن دیزدر گفت: «مستندات مربوط به این معدن را برای نمایندگان مجلس ارسال کنید تا موضوع را به صورت ویژه دنبال کنیم.»

● برای حفظ میراث همه مردم پای کار بیایند

علی اصغر مونسان، وزیر میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری نیز درباره سنگ نگاره های منطقه بینالود گفت: «در جای جای کشور پنهانر ما آثار تاریخی فراوانی وجود دارد که میراث فرهنگی به تنهایی توانایی حفاظت از آن ها را ندارد. تنها راه حفظ آثار تاریخی ایران این است که همه ملت ایران پای کار بیایند، آن گاه می توانیم از این بخش ها حفاظت کنیم.» وزیر میراث فرهنگی سپس از برنامه ریزی برای آغاز یک طرح در این رابطه گفت: «باید این کار را مردمی کنیم، قوانین نیز به شدت محکم است. در حال جلو بردن طرح میراث بانان افتخاری هستیم.»

«غذا» و قدر کودک

استقبال چشمگیر مشهدی ها از جشنواره غذا به نفع کودک

عظیم زاده! سرطان یک بیماری فردی نیست، خانواده و حتی یک جامعه را درگیر خود می کند. به ویژه وقتی رنج جنگیدن با سرطان بر دوش نحیف کودک کان باشد، تحمل این شرایط چندین برابر سخت تر می شود. کودکانی که باید تمام سهمشان از زندگی شادی باشد و حال خوب، دست بر قضا اول راه زندگی، به مبارزه فرا خوانده شده اند. جدای از این غم و غصه ای که به جان آدم می افتد، هزینه های دوا و درمان هم هست که گاهی سسر به فلک می کشد و دردی می شود مازاد بر درد اصلی. حالا، حتما همین همذات پنداری و درد مشترک با کودکان مبتلا به سرطان سرزمینمان بود که پای پیر و جوان و بزرگ و کوچک را به بازارچه ای کشاند که به همت مؤسسه حمایت از کودکان مبتلا به سرطان خراسان رضوی، در تالار ارشاد پا گرفت.

● صد درصد به نفع کودکان

بیشتر به اسم بازارچه غذای مؤسسه حمایت از کودکان مبتلا به سرطان خراسان مطرح شد، اما غذا فقط بخشی از این بازارچه بود. جدای از انواع و اقسام غذاهای مختلفی که روی میزهای تالار چیده شده بود، فشرش لوازم تحریر، زبور آلات، کتاب، آتلیه ای برای عکاسی و حتی محوطه ای مخصوص بازی کودکان نیز بخش های دیگری از این بازارچه را به



محمد رضا کارگر، مدیر کل موزه های ایران: به مناسبت ۲۴ مهرماه، روز ملی پارالمپیک، بازدید از موزه ها و اماکن تاریخی وزارت میراث فرهنگی برای جانبازان و معلولان رایگان خواهد بود.

